

## بررسی رابطه آگاهی از حقوق شهروندی با رفتار اجتماعی در میان دانشجویان دانشگاه پیام نور بندرعباس

منصوره دسترنج<sup>۱</sup> و دکتر مهدی ملاحی<sup>۲</sup>

تاریخ وصول: ۹۶/۷/۳

تاریخ پذیرش: ۹۷/۲/۱۵

### چکیده:

هدف از این پژوهش، بررسی رابطه‌ی آگاهی از حقوق شهروندی با رفتار اجتماعی در میان دانشجویان می‌باشد. جامعه‌ی آماری در این پژوهش، کلیه‌ی دانشجویان دانشگاه پیام نور بندرعباس می‌باشد. این تحقیق با روش پیمایشی و با استفاده از تکنیک پرسشنامه انجام گرفت. بنابراین، به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی ساده، تعداد ۳۵۰ نفر از دانشجویان انتخاب و مورد پرسش قرار گرفتند. پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها، داده‌ها به وسیله‌ی نرم‌افزار آماری SPSS تجزیه و تحلیل شد. نتایج این تحقیق از این قرارند: میان متغیرهای جنس، تحصیلات والدین با آگاهی دانشجویان از حقوق شهروندی رابطه‌ی معنادار مشاهده گردید. همچنین مشخص شد که میان پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده و میزان آگاهی از حقوق شهروندی رابطه‌ی معناداری وجود ندارد. میان آگاهی دانشجویان از حقوق شهروندی و ابعاد سیاسی، جنسیتی و فرهنگی حقوق شهروندی با رفتار اجتماعی رابطه‌ی معنادار مشاهده شد. در تحلیل رگرسیون مرحله به مرحله، پس از وارد شدن تمام ابعاد حقوق شهروندی، نهایتاً چهار بعد جنسیتی، سیاسی، مدنی و فرهنگی وارد معادله‌ی رگرسیون شد و با توجه به مقدار ضریب تعیین ( $R^2$ )، این ابعاد ۹/۱ درصد از تغییرهای متغیر وابسته را تبیین نمودند.

مفاهیم کلیدی: حقوق شهروندی، آگاهی از حقوق شهروندی، رفتار اجتماعی، دانشجویان، دانشگاه پیام نور

---

<sup>۱</sup> عضو هیئت علمی گروه جامعه‌شناسی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده‌ی مسئول)  
m\_dastranj@pnu.ac.ir

<sup>۲</sup> استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران  
mallahi1404@gmail.com

## مقدمه و بیان مسأله

یکی از زمینه‌هایی که به ویژه در دهه‌های اخیر در بسیاری از مجامع ملی و بین‌المللی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، مقوله‌ی شهروندی است. شهروندی از مهم‌ترین مفاهیم اجتماعی است که به منظور کمک به شناخت بهتر جامعه، روابط درونی آن و هدایت کنش‌ها و رفتارها خلق شده است؛ همچنین به‌عنوان یک ویژگی بارز انسانی ناشی از نیاز انسان به همزیستی مسالمت‌آمیز با دیگر افراد انسانی، آگاهی نسبت به حقوق و وظایف خود و وجود یک اخلاق مشارکت‌جویانه و آگاهانه در فعل و انفعالات اجتماعی است (Sharafi and Taherpour, 2008).

شهروندی از جمله مفاهیم نوپدید است که به‌طور ویژه‌ای به برابری و عدالت توجه دارد. مقوله‌ی شهروندی وقتی تحقق می‌یابد که همه‌ی افراد یک جامعه از کلیه‌ی حقوق مدنی و سیاسی برخوردار باشند و همچنین به فرصت‌های موردنظر زندگی از حیث اقتصادی و اجتماعی دسترسی آسان داشته باشند. شهروندان در برابر حقوقی که دارند، مسئولیت‌هایی را نیز در راستای اداره‌ی بهتر جامعه و ایجاد نظم بر عهده می‌گیرند و شناخت این حقوق و تکالیف نقش مؤثری در ارتقاء شهروندی و ایجاد جامعه‌ای بر اساس نظم و عدالت دارد (Vosoughi and Hazrati, 2012: 142).

حقوق شهروندی شامل حقوق و تکالیف مردم در برابر یکدیگر و اصول و هدف‌ها و وظایف و روش انجام آن می‌شود و در برگیرنده‌ی ابعاد سیاسی، مدنی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و جنسیتی می‌شود. حقوق شهروندی در صورتی در جامعه تحقق می‌یابد که شهروندان جامعه از دانش، نگرش، آگاهی و مهارت لازم برای زندگی در یک جامعه‌ی مدنی برخوردار باشند. آگاهی از حقوق شهروندی به فرد اجازه‌ی دخالت آگاهانه در سرنوشت خود را می‌دهد و منجر به احقاق حقوق خود و زندگی بهتر برای خود و دیگر اعضای جامعه می‌شود؛ تا افراد نسبت به حقوق شهروندی خود آگاهی نداشته باشند، از وظایف خود آگاه نخواهند شد و به آن عمل نخواهند کرد. پس برای اینکه حقوق شهروندی مؤثر باشد، شهروندان باید حقوق یکدیگر را بشناسند و آنها را محترم شمارند. بنابراین میزان آگاهی افراد از حقوق و تعهداتشان و شیوه‌های فعال شدن آنها در جامعه، در میزان تحقق شهروندی و ارتقاء آن نقش مؤثری دارد.

آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی مبنای اجرای عدالت اجتماعی است و فقط در صورت آگاهی مردم از حقوقشان می‌توان به ایجاد و تثبیت امنیت و رفاه اجتماعی پایدار و مستمر امیدوار بود. بی‌اطلاعی از حقوق افراد و اهمال ورزیدن در مورد آن یا حقیر انگاشتن

آن، یکی از مهم‌ترین علل تیره‌روزی‌های عامه‌ی مردم و فساد حکومت‌ها است (UNESCO, 2004).

با توجه به اینکه رفتار اجتماعی افراد انعکاسی از میزان آگاهی آنان از حقوق شهروندی است، بنابراین مشخص می‌شود که برای داشتن رفتاری بهتر و نزدیک‌تر به قوانین و رعایت حقوق دیگران، نیاز به آگاهی از حقوق شهروندی وجود دارد و معضل رفتار اجتماعی نامطلوب را می‌توان با افزایش آگاهی افراد از حقوق شهروندی مرتفع کرد. بنابراین آگاهی از حقوق شهروندی پیش‌بینی‌کننده‌ی رفتار در نظر گرفته می‌شود. یعنی افراد با این آگاهی چقدر حقوق، وظایف و مسئولیت‌های خود را شناسایی می‌کنند و آماده می‌شوند رفتارهای متعهدانه به حقوق شهروندی را از خود بروز دهند.

امروزه حل بسیاری از مسائل و مشکلات جامعه در گرو آگاهی و رفتار اعضای جامعه است، چرا که آنها را در رسیدن به حقوق خویش تواناتر می‌سازد. حل مسائل جامعه و ایجاد تغییر در آنها، تنها از طریق مشارکت فعال اعضای جامعه عملی است و این مشارکت زمانی نتیجه مناسب را در پی خواهد داشت که در مسیر درست حرکت کند و این نیز در گرو انسان‌هایی با آگاهی از حقوق و مسئولیت‌های خود شکل خواهد گرفت. در جامعه‌ای با افراد آگاه از حقوق و مسئولیت‌های خود، تبعیض بر اساس جنس، نژاد، زبان و عقیده به حداقل خود خواهد رسید.

با توجه به اینکه دانشجویان قشر ممتاز جامعه هستند و در شکل‌دهی به آگاهی مردم از حقوق‌شان نقش مؤثری داشته و از توانایی فراوانی در ایجاد تحرک و جریان‌سازی در افکار عمومی و مشارکت در امور جامعه برخوردارند. در نتیجه به مثابه گروه مرجعی به شمار می‌روند که افراد نگرش‌ها و رفتارهایشان را از آنان اقتباس می‌کنند. به این ترتیب آگاهی از حقوق شهروندی در جامعه‌ی ایران به ویژه در میان دانشجویان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

با توجه به آنچه ذکر شد، شناخت عوامل مؤثر بر میزان آگاهی دانشجویان از حقوق شهروندی و رابطه‌ی آن با رفتار اجتماعی از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. لذا در این پژوهش تلاش می‌شود تا به بررسی رابطه‌ی آگاهی از حقوق شهروندی با رفتار اجتماعی در میان دانشجویان دانشگاه پیام نور بندرعباس پرداخته شود. بر این اساس سؤال‌های اصلی این تحقیق از این قرار است:

آگاهی دانشجویان از حقوق شهروندی به چه میزان می‌باشد؟ چه عواملی بر میزان آگاهی از حقوق شهروندی مؤثر است؟ چه رابطه‌ای بین آگاهی از حقوق شهروندی و رفتار اجتماعی وجود دارد؟

هدف اصلی این تحقیق، بررسی میزان آگاهی دانشجویان از حقوق شهروندی و چگونگی رابطه‌ی آن با رفتار اجتماعی می‌باشد.

در راستای این هدف، هدف‌های فرعی‌تری از جمله تعیین رابطه‌ی آگاهی از حقوق شهروندی و رفتار اجتماعی، همچنین مشخص کردن میزان تأثیر هر یک از عوامل مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی بر میزان آگاهی از حقوق شهروندی مد نظر قرار گرفته است.

### پیشینه پژوهش

#### الف) تحقیقات داخلی

با بررسی پژوهش‌های قبلی مشخص شد، پژوهش‌هایی در ارتباط با موضوع تحقیق انجام گرفته است که در ادامه به چند مورد از آنها اشاره می‌کنیم.

بهرامی و همکاران (۱۳۹۶)، در پژوهشی به "تحلیل میزان عوامل مؤثر بر آگاهی از شهروندی در بین دانش‌آموزان شهرستان پلدختر" پرداخته‌اند. روش پژوهش از نوع پیمایشی - توصیفی و تکنیک جمع‌آوری داده‌ها، پرسشنامه بوده است. تعداد نمونه‌ی تحقیق ۲۵۷ نفر از بین ۷۸۰ دانش‌آموزان ناحیه‌ی پلدختر با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شده‌اند. نتایج تحقیق نشان داد در میان ابعاد مختلف حقوق شهروندی، بعد اجتماعی بیشترین و بعد سیاسی حقوق شهروندی کمترین میزان آگاهی از حقوق شهروندی را داشته‌اند. علاوه بر این، نتایج پژوهش نشان داد که بین جنسیت، میزان عضویت در انجمن‌ها و کانون‌های مدرسه، تحصیلات والدین، مکان (روستایی یا شهری بودن) و استفاده از رسانه‌های جمعی با میزان آگاهی از حقوق شهروندی رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد (Bahrami and et al, 2017: 81-116).

سجادی و واحدی یگانه (۱۳۹۶)، در مطالعه‌ای به "بررسی و سنجش میزان آگاهی شهروندان سنندج از حقوق شهروندی" پرداخته‌اند. حجم نمونه این تحقیق از طریق فرمول کوکران، ۳۸۳ نفر محاسبه شد که برای جلوگیری از اشتباهات احتمالی و نیز دستیابی به نتایج دقیق‌تر به ۴۰۰ پرسشنامه افزایش پیدا کرد. روش جمع‌آوری داده‌ها با استفاده از پرسشنامه بوده است. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که میزان آگاهی جامعه‌ی آماری شهر سنندج در زمینه‌ی حقوق شهروندی در سطح متوسط به پایین قرار دارد و شاخص

مذکور (آگاهی شهروندان) با جنسیت، شغل و تحصیلات رابطه‌ی معناداری دارد ( *Sajadi and Vahedi Yeganeh, 2017: 1-22* ).

شارع پور و شعبانی (۱۳۹۵)، در تحقیقی به "تحلیل جامعه‌شناختی از میزان آگاهی شهروندی شهروندان نسبت به امور شهری" پرداخته‌اند. این تحقیق به روش پیمایش انجام گرفته و با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای و تصادفی، ۴۳۷ نفر به‌عنوان جمعیت نمونه انتخاب شدند. جمعیت تحقیق کلیه‌ی شهروندان شهر ساری با ضابطه‌ی سنی ۱۸ سال و بالاتر می‌باشد. نتایج حاصل از تحقیق حاکی از این است که سهم آگاهی مردان بیشتر از زنان می‌باشد. متغیر رسانه‌های جمعی و مشارکت در نهادهای مدتی معنادار بوده و رسانه‌های جمعی، مهم‌ترین تبیین‌کننده‌ی آگاهی شهروندی می‌باشد. متغیرهای زمینه‌ای (گروه‌های سنی، وضعیت تأهل و وضعیت فعالیت) معنادار می‌باشند و تطابق یافته‌های این متغیرها دلالت بر ضعف آگاهی در میان جوانان است ( *Sharepour and shaabani, 2016* ).

ماهینی و همکاران (۱۳۹۴)، در پژوهشی به بررسی "رابطه‌ی آگاهی از حقوق شهروندی از جنبه‌ی مدنی با رفتار اجتماعی دانش‌آموزان" پرداخته‌اند. روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه‌ی آماری پژوهش کلیه‌ی دانش‌آموزان متوسطه شهرستان دشتستان است که ۲۲۰۰ نفر می‌باشد. روش نمونه‌گیری آن تصادفی خوشه‌ای است که از میان جامعه‌ی آماری تعداد ۳۲۷ نفر از دانش‌آموزان انتخاب شده‌اند (۲۰۴ نفر پسر و ۱۲۳ نفر دختر). آزمون فرضیه‌ی بیانگر همبستگی میان آگاهی از بعد مدنی حقوق شهروندی و رفتار اجتماعی بود ( *Mahini and et al, 2015* ).

حاج‌زاده و منصوری (۱۳۹۲)، در تحقیقی به "سنجش میزان آگاهی‌های عمومی به حقوق شهروندی در استان خراسان شمالی" پرداختند. روش تحقیق این مطالعه، پیمایشی است. نمونه‌ی تحقیق ۳۸۴ نفر از شهروندان استان خراسان شمالی در سال ۹۲ است. نتایج تحقیق نشان داد بین نگرش به حقوق شهروندی، استفاده از رسانه، تحصیلات و سن با آگاهی از حقوق شهروندی رابطه‌ی مثبت وجود دارد ولی بین طبقه‌ی اجتماعی، جنسیت و قومیت با آگاهی از حقوق شهروندی رابطه وجود ندارد ( *Hajzadeh and Mansoori, 2013* ).

کلدی و پوردهناد (۱۳۹۱)، در مطالعه‌ای به "بررسی میزان آگاهی و نگرش دانشجویان نسبت به حقوق شهروندی در تهران" پرداخته‌اند. روش تحقیق پیمایشی و تکنیک جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه است. جامعه‌ی آماری شامل تمام دانشجویان کلیه‌ی مقاطع

دانشکده‌های فنی - مهندسی و علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران است. از بین دانشجویان یاد شده جمعیت نمونه از طریق فرمول کوکران حدود ۲۰۰ نفر به دست آمد که با توجه به ریزش پاسخگویان و به منظور اطمینان بیشتر ۲۲۰ پرسشنامه توزیع شد. یافته‌های تحقیق نشان داد که بین متغیرهای میزان تحصیلات، رشته‌ی تحصیلی، محل تولد، محل سکونت و میزان آگاهی دانشجویان از حقوق شهروندی رابطه‌ی معناداری وجود دارد (Kaldi and Pourdehnad, 2012).

#### ب) تحقیقات خارجی

در پژوهشی که به وسیله پورتا و همکاران (۲۰۰۱)، روی ۲۸ کشور انجام شد، دانش و نگرش دانش‌آموزان در رابطه با ابعاد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی حقوق شهروندی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج پژوهش بیانگر این بود که بین آگاهی و دانش شهروندی افراد کشورهای مورد مطالعه تفاوت چندانی وجود نداشته است (Porta and et al, 2001).  
(Quoted from Bahrami and et al, 2017).

کافه و وندر لیپه (۲۰۰۹)، در پژوهشی به "هنجارهای شهروندی در اروپای شرقی" پرداخته‌اند. نتایج پژوهش نشان داد که شهروندان اروپای شرقی سطح پایین‌تری از درگیری سیاسی - مدنی را نسبت به اروپای غربی و آمریکا نشان داده‌اند (Coffe and Vander Lippe, 2009).

کاتزین (۲۰۰۹)، در پژوهشی تحت عنوان هنجارهای شهروندی، کاوشی در عوامل تعیین‌کننده‌ی هنجارها در سطوح سیستمی و فردی به این نتیجه رسید که هنجارهای شهروندی به دلیل تأثیر جدی آنها بر یکپارچگی اجتماعی و عملکرد دموکراسی باید به‌عنوان بایسته‌ی اجتماعی دموکراسی دیده شوند. به اعتقاد وی سه عامل انسجام اجتماعی، وظیفه‌ی مدنی و درگیری مدنی در اهمیت یافتن هنجارها برای افراد جامعه نقش داشتند (Katzian, 2009).

#### مبانی نظری پژوهش

دیدگاه اندیشمندان مکتب انتقادی در خصوص حقوق شهروندی مهم به شمار می‌آید. یورگن هابرماس در نظریه‌ی کنش ارتباطی به مفهوم اخلاق گفتگویی از طریق مفاهیم و ارتباط در جامعه‌ی مدنی اشاره می‌نماید و معتقد به تأمین حقوق شهروندی در جامعه‌ی مدنی است (Feiljoerg, 2002: 6). هابرماس، معتقد است که شهروندی ناشی از تمایز

حوزه اقتصادی، سیاسی و شکل‌گیری حوزه‌ی جدیدی به نام حوزه‌ی عمومی است. تنها در بافت حوزه‌ی عمومی و جامعه‌ی مدنی است که افراد به‌عنوان شهروندان دارای حقوق، عضو تمام‌عیار جامعه خود می‌گردند. در جامعه‌ی مدنی تصمیم‌گیری‌ها از طریق فرایندهای جمعی و مشارکت فعالانه‌ی شهروندان در قالب نهادها، انجمن‌ها و گروه‌های مدنی صورت می‌گیرد. کار این نهادها و گروه‌ها این است که با ایجاد زمینه‌ی مشارکت، آگاهی افراد را افزایش دهند (Habermas, 1994: 345-350). به نظر هابرماس جامعه‌ی مدنی نظامی از اجتماعات است که گفتمان ناظر بر مسائل عمومی را نهادینه می‌کند و بستری برای تحقق شهروندی ایجاد می‌نماید. بر همین مبنا وی مشارکت و حضور در عرصه‌ی عمومی را معرف اصلی شهروندی می‌داند. بنابراین هابرماس بر ضرورت وجود عرصه‌ی عمومی تأکید دارد و معتقد است که وجود مکانی آزاد برای گفتمان یا به‌عبارتی عرصه‌ی عمومی و همچنین عضویت در تشکلهای بر افزایش میزان آگاهی شهروندی مؤثر است (Habermas, 1994 and Shiani, 2005).

دارندورف، شهروندی را موتور پویای حرکت گروه‌های اجتماعی می‌داند، چرا که اگر چه شهروندی یک موقعیت حقوقی برای همه‌ی افراد به شمار می‌رود اما در واقع یک امتیاز برای عده‌ای از افراد به شمار می‌رود که از آن برخوردارند (Dahrendrof, 1994: 14-18). در مکتب سودگرایی، دیدگاه جان استوارت میل در خصوص حقوق شهروندی حائز اهمیت است. استوارت میل به حمایت از حقوق زنان، آزادی، قانون انتخابات همگانی و ... به‌عنوان اصولی از حقوق شهروندی می‌پردازد (Sanaei, 2000: 79). الکسی دوتوکویل نیز به نقش شوراها و انجمن‌های شهری در حکومت‌های پارلمانی اشاره می‌کند (Aron, 2002: 650). امیل دورکیم به ابعاد فردی و اجتماعی حقوق شهروندان پرداخته است.

پارسونز شهروندی را نتیجه‌ی توسعه‌ی مدرنیته و دموکراتیک شدن جوامع می‌داند. او شهروندی را به سه مقوله‌ی کردار اجتماعی، عضویت اجتماعی و انسجام اجتماعی پیوند می‌دهد و شهروندی را با این سه مقوله‌ی کلیدی دارای نوعی احساس تعلق می‌داند که در نهایت به انسجام اجتماعی منجر می‌شود. از نظر پارسونز شهروندی به معنی برخورداری همه‌ی اقشار و گروه‌های اجتماعی از حقوق و تعهدات شهروندی و آگاهی آنان از حقوق خود است. بنابراین، آگاهی از حقوق شهروندی نیازمند تأمین انواع مختلف منابع و ایجاد فرصت‌های مناسب و بازتولید ارزش‌های عام از یک طرف و نگرش مناسب به این حقوق از سوی دیگر است. مهم‌ترین مسأله‌ی مورد توجه پارسونز گروه‌هایی است که از امتیازات شهروندی محروم‌اند. وی این پرسش را مطرح می‌کند که چه چیزی مانع بهره‌مندی سیاهان

از مزایای شهروندی کامل شده است؟ در پاسخ به این سؤال به نقش اندیشه توجه می‌کند و موضوع ارزش‌های فرهنگی را پیش می‌کشد. به نظر او گروه‌هایی که همچنان بر ارزش‌های کهن خود تأکید دارند و خود را با مقتضیات زمان و شرایط اجتماعی وفق نداده‌اند در کی از حقوق و امتیازات شهروندی نخواهند داشت (Hesam, 2002: 11).

مارشال بر آن است که شهروندی پایگاهی است که به تمامی افرادی که عضو تمام عیار اجتماع هستند، داده می‌شود. این افراد همگی دارای جایگاه برابر و حقوق، وظایف و تکالیف متناسب با این پایگاه هستند (Friedman, 2002: 168). در واقع شهروندی موقعیتی است که شامل مجموعه‌ای از حقوق، وظایف و تعهدات است و بر برابری، عدالت و استقلال دلالت دارد (Falex, 2002). به اعتقاد مارشال، اولاً شهروندی وضعیتی است که ناشی از عضویت کامل فرد در اجتماع است، ثانیاً کسانی که حائز این وضعیتند حقوق و تکالیف یکسان و برابری دارند (Rosheh, 1997: 207-208). مارشال به سه حق اشاره می‌کند: الف) حق آزادی و شهروندی مدنی؛ ب) حق مشارکت و شهروندی سیاسی؛ ج) حق رفاه و شهروندی اجتماعی. حقوق مدنی که برای آزادی‌های شخصی ضروری است و شامل مواردی چون آزادی بیان، عقیده، تفکر و حق مالکیت اموال می‌باشد. حقوق سیاسی که شامل حق مشارکت در قدرت و تصمیم‌گیری سیاسی و حق رأی است. حقوق اجتماعی که شامل طیف وسیعی از حقوق مربوط به رفاه و امنیت اقتصادی است و حق زندگی طبق استانداردهای رایج زندگی در یک جامعه را شامل می‌شود و به‌طور نزدیکی با نظام آموزش و خدمات مرتبط است (Tavassoli and Nejati Hoseini, 2004, Oliver and Heater, 1994: 20). به نوعی می‌توان گفت که مارشال سه نوع حقوق شهروندی بیان می‌دارد: نوع اول حقوق مدنی بود که در قرن هیجدهم به صورت حقوق سلبی ظهور کرد و شامل آزادی فردی در برابر تجاوز غیر قانونی دولت به مالکیت خصوصی، آزادی شخصی و عدالت بود. حقوق مدنی از قرن نوزدهم به بعد به حقوق سیاسی ایجابی پیوند خورد که به وسیله‌ی آن، شهروند فعال می‌توانست در شکل‌گیری افکار عمومی و تصمیم‌گیری سیاسی مشارکت جوید. حقوق اجتماعی در قرن بیستم توسعه یافت که از مجرای آن شهروندان بر اساس استاندارد پایه‌ی مشخصی از نظر رفاه اجتماعی و اقتصادی، چه به وسیله‌ی حق کار و چه تأمین و رفاه، مورد حمایت قرار گرفتند (Vosoughi and Hazrati, 2012: 146).

یکی از جدیدترین رویکردهای تئوریک در خصوص حقوق شهروندی اندیشه‌های پست‌مدرن است. در دوران پست‌مدرن ایده‌های جدیدی از حقوق شهروندی مطرح شد که در این راستا می‌توان به ایده‌های افراد ذیل توجه نمود. آنتونی گیدنز معتقد به نقش



مبارزات اجتماعی در دسترسی به حقوق شهروندی است و رابرت دال وجود ساختارهای دموکراتیک را برای رفع حقوق شهروندان ضروری می‌داند (6: *Feilijerg, 2002*). از اندیشمندان دیگر پست‌مدرن در زمینه‌ی حقوق شهروندی برایان اس ترنر است.

ترنر حقوق شهروندی را مجموعه‌ای از حقوق قانونی و رسمی می‌داند که برای یک جامعه‌ی معین تعریف شده است و در آن شهروند مدعی برخورداری از منابع ملی می‌شود (*Hezarjaribi and Amanian, 2011*). به عقیده‌ی ترنر، شهروندی بر دسترسی افراد و گروه‌ها به منابع کمیاب در جامعه نظارت دارد. این منابع شامل منابع اقتصادی چون مسکن، درآمد، منابع فرهنگی چون آموزش و منابع سیاسی چون آزادی بیان، مذهب و عقیده است (17: *Shiani, 2002*). ترنر شهروندی را شامل دو فرایند می‌داند: ۱- فرایند برخورداری؛ ۲- فرایند محرومیت. فرایند برخورداری از طریق بازتخصیص منابع، موجب دستیابی شهروندان به منابع و امکانات جامعه می‌گردد و فرایند محرومیت از طریق ساخت هویت مشترک، دیگران را از مزایای شهروندی محروم می‌سازد (48: *Turner, 2008*). ترنر بر این عقیده است که شهروندی علاوه بر اینکه فرصت حقوقی فراهم می‌کند، یک نوع هویت فرهنگی خاص را برای فرد و گروه نیز ایجاد می‌کند. ترنر بر نقش شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه و افراد توجه دارد. در بین شرایط اجتماعی باید به نقش رسانه‌های جمعی توجه ویژه نمود چرا که همچون واسطه‌ای، آگاهی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد (10: *Hezarjaribi and Amanian, 2011*).

آلن سیزر و وان هیرت (۲۰۰۵)، در تحلیل ابعاد شهروندی بیان می‌کنند که شهروندی دارای ۴ بعد است: بعد مدنی، بعد سیاسی، بعد اجتماعی - اقتصادی، بعد فرهنگی یا گروهی شهروندی. بعد مدنی شهروندی به شیوه‌ی زندگی شهروندان که معمولاً در راستای اهداف آزادمنشانه جامعه است، اشاره دارد (133: *Quated from Falex, 2005*). بعد سیاسی شهروندی شامل حق رأی و مشارکت سیاسی شهروندان است. بعد اجتماعی و اقتصادی شهروندی به ارتباط بین افراد در یک موقعیت اجتماعی و همچنین به مشارکت در یک فضای باز سیاسی اشاره دارد.

ژانوسکی (۱۹۹۸)، شهروندی را عضویت فعال افراد در قلمرو دولت - ملت دانسته که به موجب آن شهروندان از حقوق و تعهدات برابر برخوردارند. وی به‌طور کلی چهار نوع حقوق شهروندی را از هم متمایز می‌کند: حقوق قانونی شامل حق آزادی بیان، آزادی مذهب، حقوق مالکیت و خدمات ... حقوق سیاسی شامل حق رأی، حق تشکیل حزب سیاسی، حق اعتراض، جنبش و ... حقوق اجتماعی شامل حق آموزش، مستمری، غرامت

بیکاری و ... حقوق مشارکت شامل حقوق مداخله در بازار کار، امنیت شغلی، خدمات ایجاد شغل و... (Janoski, 1998:167).

کاستلر سه رویکرد اساسی برای شهروندی قائل است که دارای ویژگی‌ها و مفروضات متفاوتی هستند. این رویکردها عبارتند از: رویکرد حذفی متفاوت، رویکرد جذب یا همانندسازی، رویکرد تکثرگرا.

رویکرد حذفی متفاوت: این رویکرد شهروندی در مورد جوامعی که شهروندان طبقه‌بندی می‌شوند و به درجات و دسته‌جات گوناگون تقسیم‌بندی می‌شوند مصداق دارد. به موجب این رویکرد، برخی شهروندان از مزایای بسیاری برخوردارند و برخی دیگر نیز از بسیاری از مزایا و امکانات اجتماعی محروم‌اند. این رویکرد نشان می‌دهد که چگونه جامعه در راستای حذف افراد مشخص حرکت می‌کند و حقوق گسترده‌ای را برای سایر افراد جامعه به واسطه‌ی دارا بودن پاره‌ای از ویژگی‌ها و خصوصیات فراهم می‌سازد (Fathi Ejargah and Vahed Chokadeh, 2009:45). رویکرد جذب یا همانندسازی: این رویکرد طرفدار سیاست تلفیق نسل نوجوان و جوان یا افراد تازه وارد به یک جامعه از طریق فرآیند سازگاری و انطباق یک‌طرفه می‌باشد (همان، ۴۶).

رویکرد تکثرگرا: در این رویکرد تمام شهروندان از حقوق برابر برخوردارند و می‌توانند به تمام حوزه‌های اجتماعی و منابع مرتبط دسترسی داشته باشند. در این رویکرد، عضویت در جامعه‌ی مدنی دربرگیرنده‌ی مشارکت کامل در امور جامعه و دولت می‌باشد (ibid:47). به زعم مارکس، شهروندی انقیاد اقتصادی - اجتماعی و عملی محرومان است که باید اصلاح شود. بر این اساس افرادی که پایگاه اقتصادی پایینی دارند، آگاهی کمتری از حقوق خود دارند و از طرفی از حقوق شهروندی برخوردار نیستند. لذا باید با آموزش شهروندان و آگاه کردن آنان از حقوق‌شان در جهت ایجاد جامعه‌ای بدون طبقه‌ی گام برداشت (Marx Quated From Sajadi and Vahedi Yeganeh, 2017:6).

هسته‌ی مشترک همه‌ی نظریه‌های شهروندی به شرح ذیل می‌باشد:

- نوعی پایگاه و نقش اجتماعی مدرن برای تمام اعضای جامعه.
- مجموعه به هم پیوسته‌ای از وظایف، حقوق، تکالیف و مسئولیت‌ها و تعهدات اجتماعی، حقوقی، اقتصادی و فرهنگی همگانی برابر و یکسان.
- برخورداری عادلانه و منصفانه همه‌ی اعضای جامعه از مزایا، منافع و امتیازات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی و فرهنگی فارغ از تملق طبقاتی، نژادی، مذهبی و قومی.

از نظر کورت لوین، رفتار یک فرد اولاً به خصوصیات درونی او (توارث، توانایی‌ها) و شخصیت، وضع سلامت و نظایر آن بستگی دارد و ثانیاً موقعیت اجتماعی که در آن لحظه فرد در آن قرار گرفته است، بستگی دارد. بر اساس این تئوری عوامل فردی می‌توانند در افکار و رفتار آدمی مؤثر باشند (Bahrami and et al, 2017:92).

پس از بررسی نظریه‌های مختلف در این زمینه، مشخص شد که عوامل مختلفی بر آگاهی از حقوق شهروندی مؤثرند. عده‌ای از نظریه‌پردازان بر تأثیر آموزش و فرهنگ بر حقوق شهروندی تأکید دارند. از دید این افراد، بعد آموزش می‌تواند بر آگاهی از حقوق شهروندی تأثیر بگذارد (Parsons). برخی دیگر از نظریه‌پردازان بر ابعاد حقوق مدنی، اجتماعی، سیاسی شهروندی تأکید نموده و آگاهی از انواع حقوق مدنی، اجتماعی و سیاسی را مد نظر قرار داده‌اند (Marshall). نظریه‌پردازان دیگر بر مشارکت شهروندان در قالب نهادها و انجمن‌ها و تأثیر آن بر آگاهی از حقوق شهروندی تأکید دارند (Habermas and Alexis de Tocqueville). عده‌ای از نظریه‌پردازان معتقدند برخی از شهروندان از مزایای بسیاری برخوردارند و برخی دیگر نیز از بسیاری از مزایا و امکانات اجتماعی محروم‌اند (Castells and Marx). ترنر بر نقش شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه و افراد توجه دارد. در بین شرایط اجتماعی باید به نقش رسانه‌های جمعی توجه ویژه نمود چرا که همچون واسطه‌ای، آگاهی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. نهایتاً برخی دیگر از نظریه‌پردازان بر عوامل و ویژگی‌های فردی (سن، جنس و ...) تأکید می‌نمایند (Kurt Lewin).

از آنجا که آگاهی از حقوق شهروندی، ابعاد گوناگونی دارد، بنابراین استفاده‌ی تلفیقی از نظریه‌های پارسونز، مارشال، هابرماس، ترنر، کاستلز و عناصری از نظریه‌های اشاره شده، منطقی‌تر به نظر می‌رسد و دیدگاه جامع‌تری برای تحقیق حاضر فراهم می‌نماید. بر این اساس بر مبنای ترکیب این نظریه‌ها و تحقیق‌های پیشین، عوامل زمینه‌ای، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و آموزشی تأثیرگذار بر متغیر وابسته (آگاهی از حقوق شهروندی) مد نظر قرار گرفت.

### فرضیات پژوهش

۱- بین آگاهی از بعد مدنی حقوق شهروندی و رفتار اجتماعی دانشجویان رابطه وجود دارد.

۲- بین آگاهی از بعد سیاسی حقوق شهروندی و رفتار اجتماعی دانشجویان رابطه وجود دارد.

- ۳- بین آگاهی از بعد اجتماعی حقوق شهروندی و رفتار اجتماعی دانشجویان رابطه وجود دارد.
- ۴- بین آگاهی از بعد فرهنگی حقوق شهروندی و رفتار اجتماعی دانشجویان رابطه وجود دارد.
- ۵- بین آگاهی از بعد جنسیتی حقوق شهروندی و رفتار اجتماعی دانشجویان رابطه وجود دارد.
- ۶- بین میزان آگاهی از حقوق شهروندی و رفتار اجتماعی دانشجویان رابطه وجود دارد.
- ۷- بین جنسیت و میزان آگاهی از حقوق شهروندی رابطه وجود دارد.
- ۸- بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی و میزان آگاهی از حقوق شهروندی رابطه وجود دارد.
- ۹- بین تحصیلات پدر و میزان آگاهی از حقوق شهروندی رابطه وجود دارد.
- ۱۰- بین تحصیلات مادر و میزان آگاهی از حقوق شهروندی رابطه وجود دارد.
- ۱۱- بین میزان استفاده از رسانه‌های جمعی و میزان آگاهی از حقوق شهروندی رابطه وجود دارد.

### روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش مبتنی بر رهیافت کمی است که با روش پیمایش انجام شده است. جامعه‌ی آماری مورد مطالعه در این تحقیق، کلیه‌ی دانشجویان دانشگاه پیام نور بندرعباس می‌باشد. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران، ۳۵۰ نفر انتخاب گردید؛ همچنین به منظور تعیین افراد نمونه‌ی مورد نظر، از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی استفاده شد. در این تحقیق به منظور جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه استفاده شده است. به منظور اطمینان یافتن از اینکه، آیا ابزار پرسشنامه همان چیزی را می‌سنجد که مورد انتظار است؛ سؤال‌های طراحی شده را اساتید مورد بررسی قرار دادند و اشکال‌های آن رفع گردید. در واقع این بدان معناست که به منظور اعتباربخشی به پرسشنامه از "اعتبار صوری" استفاده شده است. سؤال‌ها به صورت طیف مربوط به متغیرهای آگاهی از حقوق شهروندی، رفتار اجتماعی جمعاً ۴۴ سؤال می‌باشد. به منظور سنجش پایایی سؤال‌های پرسشنامه از روش "ضریب آلفای کرونباخ" استفاده شد. ضریب آلفای کرونباخ مربوط به متغیرهای آگاهی از حقوق شهروندی، رفتار اجتماعی از طریق نرم‌افزار SPSS محاسبه گردید. نتایج گویای آن

بود که ضریب آلفای کرونباخ برای طیف‌های آگاهی از حقوق شهروندی (با ۲۴ گویه) ۰/۸۷۹، رفتار اجتماعی (با ۲۰ گویه) ۰/۷۸۱ بوده است. با توجه به مقادیر محاسبه شده آلفای کرونباخ، گویه‌ها از قابلیت اعتماد لازم برخوردار بوده و در پرسشنامه‌ی نهایی از این سؤالات استفاده گردید. به منظور تحلیل داده‌ها از روش‌های آمار توصیفی (توزیع فراوانی و درصد) و تکنیک‌های آمار تبیینی چون آزمون رگرسیون، اسپیرمن استفاده شد.

### تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای اصلی پژوهش

*رفتار اجتماعی*: متغیر وابسته‌ی این تحقیق می‌باشد. رفتار اجتماعی، رفتاری است که از دیگران متأثر شده یا به وسیله‌ی دیگران شرطی شده است. به عبارتی رفتاری است که فرد یا گروه، نسبت به کسی یا چیزی در چارچوب فرهنگ سر می‌زند (Shoarinezhad, 2014). در این تحقیق متغیر رفتار اجتماعی در قالب ۲۰ سؤال ساخته و به صورت طیف لیکرت سنجیده شده است. برای هر سؤال پنج گزینه برای پاسخ‌دهی مشخص شده است.

حقوق شهروندی به معنای مجموعه‌ای از حقوق سیاسی، مدنی، اجتماعی، فرهنگی و جنسیتی است که شهروند از آن برخوردار می‌شود. منظور از میزان آگاهی از حقوق شهروندی این است که افراد در ذهن خود در مورد حقوق شهروندی چه چیزهایی می‌دانند و این دانسته‌ها چقدر با واقعیت تطابق دارد.

متغیر آگاهی از حقوق شهروندی، در قالب مؤلفه‌های حقوق مدنی، حقوق سیاسی، حقوق اجتماعی، حقوق فرهنگی و حقوق جنسیتی مورد سنجش قرار گرفته است. این متغیر به صورت طیف لیکرت با پنج گزینه برای پاسخ‌دهی به آن سنجیده شده است.

### یافته‌های پژوهش

جدول ۱ توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان را بر حسب متغیرهای تحقیق نشان می‌دهد. یافته‌ها نشان می‌دهد از مجموع دانشجویان ۶۸ درصد دختر و ۳۲ درصد پسر می‌باشد. از نظر سن ۲۵/۷ درصد ۱۷-۲۰ سال، ۴۶ درصد ۲۱-۲۴ سال، ۲۵/۴ درصد ۲۹-۲۵ سال و ۲/۹ درصد بالای ۳۰ سال سن دارند. میانگین سن دانشجویان ۲۲ سال بود. ۷۶ درصد مجرد و ۲۴ درصد متأهل، ۲۷/۴ درصد شاغل و ۷۲/۶ درصد غیر شاغل بودند. همچنین ۷۰/۳ درصد دانشجویان ساکن شهر و ۲۹/۷ درصد ساکن روستا می‌باشند. از لحاظ پایگاه اقتصادی - اجتماعی ۱۲ درصد از پاسخگویان در سطح بالا، ۷۹/۴ درصد در سطح متوسط و ۸/۶ درصد در سطح پایین قرار دارند. بر اساس رشته تحصیلی ۶۰/۶ درصد

دانشجویان رشته‌های علوم انسانی، ۱۴/۳ درصد رشته‌های علوم پایه و ۲۵/۱ درصد رشته‌های فنی - مهندسی بودند. ۱۲ درصد افراد آگاهی کم، ۸۰ درصد آگاهی متوسط و ۸ درصد آگاهی بالایی از حقوق شهروندی دارند.

جدول ۱: توزیع پاسخگویان بر حسب متغیرهای تحقیق

Table 1: Distribution of Respondents According to Research Variables

متغیر	تعداد	درصد	متغیر	تعداد	درصد	متغیر	تعداد	درصد
Variable	Frequency	Percent	Variable	Frequency	Percent	Variable	Frequency	Percent
گروه‌های سنی	17-20 ساله	90	25/7	238	68/0	دختر	96	27/4
	21-24 ساله	161	46/0	112	32/0	پسر	254	72/6
	25-29 ساله	89	25/4	266	76/0	مجرد	246	70/3
	30 ساله به بالا	10	2/9	84	24/0	متاهل	104	29/7
رشته‌ی تحصیلی	علوم انسانی	212	60/6	42	12/0	پایگاه بالا	42	12/0
	علوم پایه	50	14/3	278	79/4	متوسط	280	80/0
	فنی - مهندسی	88	25/1	30	8/6	پایین	28	8/0
جمع کل پاسخگویان	350	100/0	جمع کل پاسخگویان	350	100/0	جمع کل پاسخگویان	350	100/0

فرضیه‌ی ۱: بین آگاهی از بعد مدنی حقوق شهروندی و رفتار اجتماعی دانشجویان رابطه وجود دارد.

چون هر دو متغیر آگاهی از بعد مدنی حقوق شهروندی و رفتار اجتماعی در سطح فاصله‌ای هستند، برای بررسی این فرضیه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. چنان‌که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، میزان ضریب همبستگی ۰/۰۲۵ بوده که در سطح ۰/۰۴۷ معنی‌دار نمی‌باشد؛ بنابراین فرض تحقیق رد و فرض صفر تأیید می‌شود. بنابراین بین میزان آگاهی از بعد مدنی حقوق شهروندی و رفتار اجتماعی رابطه‌ای وجود ندارد.

فرضیه ۲: بین آگاهی از بعد سیاسی حقوق شهروندی و رفتار اجتماعی دانشجویان رابطه وجود دارد.

چون هر دو متغیر آگاهی از بعد سیاسی حقوق شهروندی و رفتار اجتماعی در سطح فاصله‌ای هستند، برای بررسی این فرضیه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. چنان‌که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، میزان ضریب همبستگی ۰/۱۲۵ بوده که در سطح ۰/۰۲۰ معنی‌دار است، بنابراین فرض صفر رد و فرض تحقیق تأیید شده و می‌توان گفت بین میزان آگاهی از بعد سیاسی حقوق شهروندی و رفتار اجتماعی رابطه‌ی مستقیم وجود دارد. بر اساس نتایج به دست آمده هر قدر میزان آگاهی از بعد سیاسی حقوق شهروندی بیشتر شود، به همان میزان رفتار اجتماعی مثبت‌تری از خود نشان خواهند داد.

فرضیه ۳: بین آگاهی از بعد اجتماعی حقوق شهروندی و رفتار اجتماعی دانشجویان رابطه وجود دارد.

چون هر دو متغیر در سطح فاصله‌ای هستند، برای بررسی این فرضیه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. چنان‌که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، میزان ضریب همبستگی ۰/۰۴۷ بوده که در سطح ۰/۳۷۹ معنی‌دار نمی‌باشد؛ بنابراین فرض تحقیق رد و فرض صفر تأیید می‌شود. بنابراین بین میزان آگاهی از بعد اجتماعی حقوق شهروندی و رفتار اجتماعی رابطه‌ای وجود ندارد.

فرضیه ۴: بین آگاهی از بعد فرهنگی حقوق شهروندی و رفتار اجتماعی دانشجویان رابطه وجود دارد.

چون هر دو متغیر آگاهی از بعد فرهنگی حقوق شهروندی و رفتار اجتماعی در سطح فاصله‌ای هستند، برای بررسی این فرضیه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. چنان‌که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، میزان ضریب همبستگی ۰/۱۴۳ بوده که در سطح ۰/۰۰۷ معنی‌دار است، بنابراین فرض صفر رد و فرض تحقیق تأیید شده و می‌توان گفت بین میزان آگاهی از بعد فرهنگی حقوق شهروندی و رفتار اجتماعی رابطه وجود دارد.

فرضیه ۵: بین آگاهی از بعد جنسیتی حقوق شهروندی و رفتار اجتماعی دانشجویان رابطه وجود دارد.

چون هر دو متغیر آگاهی از بعد جنسیتی حقوق شهروندی و رفتار اجتماعی در سطح فاصله‌ای هستند، برای بررسی این فرضیه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. چنان‌که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، میزان ضریب همبستگی ۰/۱۹۵ بوده که در سطح ۰/۰۰۰ معنی‌دار است؛ بنابراین فرض صفر رد و فرض تحقیق تأیید شده و می‌توان گفت بین میزان آگاهی از بعد جنسیتی حقوق شهروندی و رفتار اجتماعی رابطه‌ی مستقیم وجود دارد. یعنی هر قدر میزان آگاهی از بعد جنسیتی حقوق شهروندی افزایش یابد به همان میزان افراد رفتار اجتماعی مطلوب و مناسب‌تری خواهند داشت.

**جدول ۲:** آزمون رابطه‌ی میان متغیر رفتار اجتماعی با ابعاد حقوق شهروندی

**Table 2:** The test of the Relationship between the Social Behavior Variable and The Dimensions of Citizenship Rights

Sig	F	t	بتا	B	اشتباه استاندارد	Adj.R <sup>2</sup>	R <sup>2</sup>	R	رفتار اجتماعی
Sig	F	t	Beta	B	Std.Error	Adj.R <sup>2</sup>	R <sup>2</sup>	R	Social Behavior
0/647	0/210	-0/458	-0/025	-0/069	9/737	-0/002	0/001	0/025	بعد مدنی حقوق شهروندی
0/020	5/495	2/344	0/125	0/288	9/664	0/013	0/016	0/125	بعد سیاسی حقوق شهروندی
0/379	0/776	0/881	0/047	0/060	9/729	-0/001	0/002	0/047	بعد اجتماعی حقوق شهروندی
0/007	7/292	2/700	0/143	0/392	9/640	0/018	0/021	0/143	بعد فرهنگی حقوق شهروندی
0/000	13/778	3/712	0/195	0/740	9/553	0/035	0/038	0/195	بعد جنسیتی حقوق شهروندی

فرضیه‌ی ۶: بین میزان آگاهی از حقوق شهروندی و رفتار اجتماعی دانشجویان رابطه وجود دارد.

در جدول ۳ نتایج تحلیل رگرسیون میان آگاهی دانشجویان از حقوق شهروندی با رفتار اجتماعی مشاهده می‌شود. نتایج گویای آن است که آگاهی از حقوق شهروندی رابطه‌ی نسبتاً ضعیفی با رفتار اجتماعی دارد ( $R = 0/124$ ). با توجه به مقدار  $R^2 = 0/015$ ، آگاهی از حقوق شهروندی تنها ۱/۵ درصد از واریانس متغیر وابسته را در نمونه تبیین می‌کند که این میزان برای کل جامعه‌ی آماری ۱/۳ درصد می‌باشد. مقدار ضریب بتا



$Beta = 0/124$  گویای وجود رابطه‌ی مثبت و مستقیم میان دو متغیر است. مقدار  $0/083$  مقدار  $B$  گویای آن است که به ازای هر واحد افزایش در متغیر مستقل (آگاهی از حقوق شهروندی)  $0/083$  واحد به متغیر وابسته (رفتار اجتماعی) اضافه می‌شود. مقدار  $T = 2/335$  و سطح معناداری  $Sig = 0/020$  رابطه‌ی میان متغیر آگاهی از حقوق شهروندی و رفتار اجتماعی را معنادار می‌داند. بنابراین، فرضیه‌ی ما تأیید می‌گردد.

**جدول ۳:** ضریب همبستگی پیرسون میان آگاهی دانشجویان از حقوق شهروندی با رفتار اجتماعی  
**Table 3: Pearson Correlation Coefficient between Students' Knowledge of Citizenship Rights and Social Behavior**

Sig	F	t	بتا	B	اشتباه استاندارد	Adj.R <sup>2</sup>	R <sup>2</sup>	R	متغیر
Sig	F	t	Beta	B	Std.Error	Adj.R <sup>2</sup>	R <sup>2</sup>	R	Variable
0/020	5/450	2/335	0/124	0/083	9/665	0/013	0/015	0/124	آگاهی از حقوق شهروندی

فرضیه‌ی ۷: بین جنسیت و میزان آگاهی از حقوق شهروندی رابطه وجود دارد. برای دریافت تفاوت معناداری میان میانگین نمرات دختران و پسران از آزمون تی مستقل استفاده شده است. جدول ۴ آزمون رابطه‌ی بین جنسیت پاسخگویان و آگاهی آنان از حقوق شهروندی را نشان می‌دهد. چنانچه در جدول مشاهده می‌شود مقدار  $t = -3/923$  با سطح معنی‌داری  $0/000$  گویای آن است که تفاوت معناداری بین میانگین نمرات پسران ( $90/803$ ) و دختران ( $84/390$ ) در آگاهی از حقوق شهروندی وجود دارد و پسران در مقایسه با دختران از آگاهی بیشتری برخوردارند.

**جدول ۴:** آزمون تفاوت میانگین آگاهی دانشجویان از حقوق شهروندی بر حسب جنسیت  
**Table 4: Averages Difference Test between Students' Awareness of Citizenship Rights Based on Gender**

Sig	t	اشتباه استاندارد	انحراف استاندارد	میانگین	فراوانی	جنسیت
Sig	t	Std.Error	Std.Deviation	Mean	N	Gender
0/000	-3/923	0/914	14/115	84/390	238	دختر
		1/377	14/581	90/803	112	پسر

فرضیه ۱: بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی و میزان آگاهی از حقوق شهروندی رابطه وجود دارد.

جدول ۵ رابطه‌ی میان پایگاه اقتصادی - اجتماعی و آگاهی از حقوق شهروندی را با توجه به تحلیل واریانس یک‌طرفه نشان می‌دهد. با توجه به مقدار  $F=0/408$  و سطح معناداری  $Sig=0/666$  فرضیه‌ی ما مبنی بر وجود رابطه‌ی معنی‌دار میان پایگاه اقتصادی - اجتماعی و آگاهی از حقوق شهروندی پذیرفته نمی‌شود.

جدول ۵: نتایج تحلیل واریانس آگاهی دانشجویان از حقوق شهروندی با پایگاه اقتصادی - اجتماعی آنها

**Table 5: The results of Variance Analysis of Students' Knowledge of Citizenship Rights with Their Socio-Economic Status**

Sig	F	Mean Squares	Sum of Squares	اشتباه استاندارد	انحراف استاندارد	میانگین	فراوانی	پایگاه اقتصادی - اجتماعی
Sig	F	Mean Squares	Sum of Squares	Std.Error	Std.Deviation	Mean	N	Socio-Economic Status
0/666	0/408	86/66	173/33	3/50	22/69	86/07	42	بالا
				0/795	13/26	86/25	278	متوسط
				2/11	11/60	88/73	30	پایین
				0/778	14/55	86/44	350	کل

فرضیه ۹: بین تحصیلات پدر و میزان آگاهی از حقوق شهروندی رابطه وجود دارد. جدول شماره ۶ نشان‌دهنده‌ی رابطه‌ی میان آگاهی دانشجویان از حقوق شهروندی و تحصیلات پدر آنها می‌باشد. با توجه به مقدار  $F$  و سطح معنی‌داری به دست آمده ( $Sig=0/000$ ) می‌توان نتیجه گرفت که میان تحصیلات پدر و آگاهی از حقوق شهروندی رابطه‌ی معنادار وجود دارد. بنابراین هر چه میزان تحصیلات پدر بالاتر باشد، میزان آگاهی دانشجویان از حقوق شهروندی بیشتر است.

**جدول ۶:** نتایج تحلیل واریانس آگاهی دانشجویان از حقوق شهروندی بر حسب تحصیلات پدر

**Table 6:** The Results of Variance Analysis of Students' Knowledge of Citizenship Rights Based on Their Father's Education

Sig	F	Mean Squares	Sum of Squares	اشتباه استاندارد	انحراف استاندارد	میانگین	فراوانی	تحصیلات پدر
Sig	F	Mean Squares	Sum of Squares	Std.Error	Std.Deviation	Mean	N	Father's Education
0/000	5/551	1104/31	5521/57	3/89	24/92	77/97	41	بیسواد
				1/154	12/10	85/41	110	ابتدایی
				1/334	9/34	92/12	49	راهنمایی
				1/474	11/89	87/40	65	دیپلم
				1/828	11/56	90/80	40	فوق دیپلم
				2/148	14/41	85/22	45	لیسانس و بالاتر
				0/778	14/55	86/44	350	کل

فرضیه ۱۰: بین تحصیلات مادر و میزان آگاهی از حقوق شهروندی رابطه وجود دارد.

جدول ۷ رابطه‌ی میان تحصیلات مادر و آگاهی از حقوق شهروندی را با روش تحلیل واریانس یک‌طرفه نشان می‌دهد. با توجه به مقدار  $F=۴/۳۹۸$  و سطح معناداری به دست آمده ( $Sig=۰/۰۰۱$ )، فرضیه ما مبنی بر وجود رابطه‌ی معنی‌دار میان تحصیلات مادر و آگاهی از حقوق شهروندی، تأیید می‌شود.

**جدول ۷:** نتایج تحلیل واریانس آگاهی دانشجویان از حقوق شهروندی بر حسب تحصیلات مادر

**Table 7:** The Results of Variance Analysis of Students' Knowledge of Citizenship Rights Based on Mother's Education

Sig	F	Mean Squares	Sum of Squares	اشتباه استاندارد	انحراف استاندارد	میانگین	فراوانی	تحصیلات مادر
Sig	F	Mean Squares	Sum of Squares	Std.Error	Std.Deviation	Mean	N	Mother's Education
0/001	4/398	888/70	4443/51	2/197	18/64	83/30	72	بیسواد
				1/188	13/91	87/25	137	ابتدایی
				1/445	11/10	86/40	59	راهنمایی
				1/696	12/11	85/29	51	دیپلم
				2/300	12/17	89/10	28	فوق دیپلم
				0/000	0/000	120/00	3	لیسانس و بالاتر
				0/778	14/55	86/44	350	کل

فرضیه ۱۱: بین میزان استفاده از رسانه‌های جمعی و میزان آگاهی از حقوق شهروندی رابطه وجود دارد.

فرضیه بعدی این مطالعه، رابطه‌ی بین میزان استفاده از رسانه‌های جمعی و آگاهی از حقوق شهروندی می‌باشد که برای بررسی آن از رگرسیون استفاده شده است. بر اساس نتایج به دست آمده متغیر رسانه‌های جمعی  $18/6$  درصد با متغیر وابسته همبستگی دارد. مقدار  $R^2=0/034$  نشان می‌دهد که متغیر مستقل  $3/4$  درصد از واریانس متغیر وابسته را در جمعیت نمونه تبیین می‌کند. همین مقدار برای کل جامعه‌ی آماری  $3/2$  درصد است. مقدار ضریب  $Beta=0/186$  همبستگی مستقیم و مثبت را میان دو متغیر نشان می‌دهد. با توجه به مقدار ضریب  $B$  می‌توان گفت به ازای هر واحد افزایش در متغیر مستقل،  $0/464$  واحد به متغیر وابسته (آگاهی از حقوق شهروندی) اضافه می‌شود. مقدار  $T=3/525$  و سطح معناداری  $Sig=0/000$  گویای رابطه‌ی معنی‌دار میان میزان استفاده از رسانه‌های جمعی و آگاهی از حقوق شهروندی می‌باشد.

**جدول ۸:** ضریب همبستگی پیرسون میان آگاهی دانشجویان از حقوق شهروندی با میزان استفاده از رسانه‌های جمعی

**Table 8: Pearson Correlation Coefficient between Student Awareness of Citizen's Rights and the Amount of Mass Media Use**

Sig	F	t	بتا	B	اشتباه استاندارد	Adj.R <sup>2</sup>	R <sup>2</sup>	R	متغیر
Sig	F	t	Beta	B	Std.Error	Adj.R <sup>2</sup>	R <sup>2</sup>	R	Variable
0/000	12/422	3/525	0/186	0/464	14/324	0/032	0/034	0/186	رسانه‌های جمعی

### رگرسیون چند متغیره

همچنان که از ارقام جدول ۹ مشخص می‌شود، پس از وارد شدن تمام ابعاد حقوق شهروندی، نهایتاً چهار بعد در معادله باقی ماندند. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، چهار بعد مذکور قادر به پیش‌بینی  $9/1$  درصد از تغییرهای رفتار اجتماعی می‌باشند؛ همچنین نتایج جدول نشانگر آن است که سه بعد حقوق شهروندی به جز بعد مدنی با متغیر وابسته همبستگی مستقیم و معنادار دارند.

**جدول ۹:** عناصر اصلی تحلیل چند متغیره برای پیش‌بینی متغیر وابسته به روش مرحله به مرحله  
**Table 9: The Main Elements of Multivariate Analysis to Predict the Step-By-Step Method Variable**

نام متغیر	R	R <sup>2</sup>	Adj.R <sup>2</sup>	اشتباه استاندارد
Variable	R	R <sup>2</sup>	Adj.R <sup>2</sup>	Std.Error
بعد جنسیتی	0/195	0/038	0/035	9/553
بعد سیاسی	0/254	0/064	0/059	9/435
بعد مدنی	0/283	0/080	0/072	9/370
بعد فرهنگی	0/301	0/091	0/080	9/329

**جدول ۱۰:** ضرایب متغیرهای معادله‌ی پیش‌بینی متغیر وابسته در مرحله‌ی چهارم  
**Table 10: The Coefficients of the Variables of the Predictive Equation of the Dependent Variable in The Fourth Stage**

نام متغیر	B	Beta	t	Sig
Variable	B	Beta	t	Sig
بعد جنسیتی	0/740	0/195	3/712	0/000
بعد سیاسی	0/380	0/165	3/119	0/002
بعد مدنی	-0/0492	-0/175	-2/421	0/016
بعد فرهنگی	0/358	0/131	2/008	0/045

Constant= 53/859

بنابراین شکل نهایی معادله با استخراج ضرایب خام (B) به صورت زیر می‌باشد:  
 بعد فرهنگی (0/۳۵۸) + بعد مدنی (-0/۴۹۲) + بعد سیاسی (0/۳۸۰) + بعد جنسیتی  

$$Y_1 = 53/859 + (0/740)$$

### بحث و نتیجه‌گیری

هر جامعه‌ای با توجه به زمینه‌های فرهنگی و ارزشی خود نیاز به شهروندانی آگاه دارد تا بتوانند در قالب حقوق و وظایف تعیین شده در چهارچوب فضای حقوق سیاسی - اجتماعی فعالیت کنند. دستیابی به چنین هدفی نیازمند تدابیر و زمینه‌های لازم برای آگاه‌سازی شهروندان است. پس آگاهی از حقوق و وظایف امری حیاتی به شمار می‌آید. این پژوهش با هدف بررسی رابطه‌ی آگاهی از حقوق شهروندی با رفتار اجتماعی در میان دانشجویان دانشگاه پیام نور بندرعباس انجام گردید. در ابتدا پس از مطالعه‌ی مقدماتی، پیشینه‌ی تحقیقات در حوزه‌ی مورد نظر بررسی شدند. از روش پیمایشی و

تکنیک پرسشنامه برای جمع‌آوری داده‌ها بهره گرفته شد. جامعه‌ی آماری، تمام دانشجویان دانشگاه پیام نور بندرعباس در سال ۹۶ را در برمی‌گرفت. با توجه به تنوع رشته‌ها و ناهمگنی جامعه‌ی آماری، از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی ساده استفاده شده است. حجم نمونه نیز  $n=350$  برآورد گردید.

بررسی میزان آگاهی دانشجویان از حقوق شهروندی نشان می‌دهد که ۱۲ درصد از دانشجویان آگاهی کم، ۸۰ درصد آگاهی متوسط و ۸ درصد آگاهی بالایی داشتند. به‌طور کلی یافته‌های پژوهش حاکی از این است که میزان آگاهی از حقوق شهروندی و ابعاد سیاسی، جنسیتی و فرهنگی حقوق شهروندی با رفتار اجتماعی ارتباط معناداری دارد و رابطه‌ی مستقیم و مثبت بین آنها حاکم می‌باشد. رفتار اجتماعی دانشجویان انعکاسی از میزان آگاهی آنان از حقوق شهروندی است. بنابراین مشخص می‌شود که برای داشتن رفتاری بهتر و نزدیک‌تر به قوانین و رعایت حقوق دیگران، نیاز به آگاهی از حقوق شهروندی وجود دارد و معضل رفتار اجتماعی نامطلوب را می‌توان با افزایش آگاهی افراد از حقوق شهروندی مرتفع کرد. آگاهی از حقوق شهروندی منجر به ایفای تعهدات شهروندی شده و متعاقباً موجب دستیابی به حقوق و امتیازات شهروندی خواهد شد.

یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که رابطه‌ی معناداری میان تحصیلات والدین با آگاهی از حقوق شهروندی وجود دارد. نتایج این تحقیق با نتایج تحقیق‌های ربانی و همکاران (۱۳۸۵)، بهرامی و همکاران (۱۳۹۶) هماهنگ می‌باشد. رابطه‌ی متغیر تحصیلات و آگاهی از حقوق شهروندی را می‌توان با نظریه‌ی پارسونز تبیین کرد.

یافته‌ی دیگری از این تحقیق نشان می‌دهد که میان پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده و آگاهی از حقوق شهروندی رابطه‌ی معنادار وجود ندارد. این نتیجه با نتایج تحقیق شارع‌پور و شعبانی (۱۳۹۵)، حاج‌زاده و منصوری (۱۳۹۲)، مشابه ولی با نتایج تحقیق هزارجریبی و امانیان (۱۳۹۰)، اسکافی (۱۳۸۶)، ربانی و همکاران (۱۳۸۵)، متفاوت است. رابطه‌ی این دو متغیر بر مبنای نظریه‌ی مارکس و کاستلز طراحی شده است.

یافته‌های این تحقیق در خصوص تأثیر میزان استفاده از رسانه‌های جمعی بر آگاهی از حقوق شهروندی با تحقیق‌های ربانی و همکاران (۱۳۸۵)، هزارجریبی و امانیان (۱۳۹۰)، شهبازی و ابراهیمی (۱۳۹۲)، بهرامی و همکاران (۱۳۹۶)، شارع‌پور و شعبانی (۱۳۹۵) هماهنگ می‌باشد. رابطه‌ی متغیر رسانه‌های جمعی و آگاهی از حقوق شهروندی را می‌توان با نظریه‌ی ترنر تبیین کرد.

یافته‌ی دیگر تحقیق این است که میان جنسیت و آگاهی از حقوق شهروندی رابطه‌ی معناداری وجود دارد. نتایج این تحقیق با نتایج تحقیق‌های آراسته و همکاران (۱۳۸۵)، شارع‌پور و شعبانی (۱۳۹۵)، سجادی و واحدی یگانه (۱۳۹۶)، هماهنگ ولی با نتایج تحقیق ربانی و همکاران (۱۳۸۵)، بهرامی و همکاران (۱۳۹۶)، حاج‌زاده و منصوری (۱۳۹۲)، متفاوت می‌باشد. رابطه‌ی این متغیر برگرفته از نظریه‌ی کورت لوین می‌باشد.

به‌طور کلی با استفاده از رگرسیون چند متغیره به شیوه‌ی مرحله به مرحله، مشخص شد که چهار بعد حقوق شهروندی بیشترین تأثیر را بر رفتار اجتماعی دارند. این چهار بعد عبارتند از: بعد جنسیتی، بعد سیاسی، بعد مدنی و بعد فرهنگی. در مجموع این چهار بعد یاد شده توانستند ۹/۱ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین نمایند. میزان همبستگی نیز  $R = 0/301$  بدست آمد.

### پیشنهادات پژوهش

به منظور افزایش میزان آگاهی دانشجویان برگزاری کلاس‌های آموزشی در زمینه‌ی حقوق و وظایف شهروندی می‌تواند مؤثر باشد.

در زمینه‌ی آگاهی از وظایف شهروندی که مؤثر بر افزایش آگاهی از حقوق بوده است، طراحی و توزیع بروشورهای تبلیغاتی در میان گروه‌ها و اقشار مختلف جامعه به ویژه دانشجویان می‌تواند نقش مؤثری را ایفا کند. بنابراین بهترین راهکارها برای افزایش میزان آگاهی از حقوق شهروندی چه در میان دانشجویان و چه در میان سایر اقشار، فرهنگ‌سازی، اطلاع‌رسانی همگانی شامل آموزش و ترویج حقوق شهروندی، افزایش زمینه‌های لازم برای مشارکت افراد در جامعه است.

آموزش حقوق شهروندی در دوران کودکی و نوجوانی به‌خصوص توجه به این امر در محتوای دروس مدارس.

**References:**

Arasteh, H. R., Enayati, T. & Nezafati Payani, Y. (2010). "A Survey of the Students' awareness of citizenship rights with emphasis on curriculum", Scientific research Journal of Information and Communication, No. 6, P. 53-67. (Persian).

Aron, R. (2002). Thought basic steps in sociology, Translation by Bagher Parham, Tehran: Scientific and Cultural Press. (Persian).

Bahrami, V., Tajmazinani, A. A. & Amiri, H. (2017). "The analysis of the factors affecting citizenship awareness among students (Case study: Poldokhtar city)", Quarterly Planning for Welfare and Social Development, Vol. 8, No. 31, summer, P. 81-116. (Persian).

Capurri, V. (2003). "Italian Catholic Immigrants in Toronto at the begining of the twentieth century: A case of religious citizenship (Ontario), MAL 42/2.

Coffe, H., Vander Lippe, T (2009). Citizenship Norms in Eastern Europe, Springer.

Dahrendorf, R. (1994). Citizenship and Byond: Byond: The social Dynamics of an Idea. In B.S Turner and P.Hamilton (ed) Citizenship Critical Consept, London: Routledge.

Eskafi, M. (2007). "Investigating the level of youth awareness of citizenship rights and duties and its effective factors in Mashhad City", Journal of Social Sciences Faculty of Literature and Human Sciences Ferdowsi University of Mashhad, Vol. 4, No. 1, spring and summer, Pp: 1-33. (Persian).

Falex, K. (2002). Citizenship, Translator: Mohammad Taghi Delfrooz, Tehran: kavir Publications. (Persian).

Falex, K. (2005). Citizenship rights, Translation by Abdul Aziz Wisey, Tehran: Sirwan Publications. (Persian).

Fathi Ejargah, K. & Vahed Chokadeh, S. (2009). Citizenship Education in Schools, Tehran: Aein publishing (Persian).

Feiliojerg, N. (2002). Civil society from a few look, Reza Ostad Rahimi, Hamshahri. (Persian).



Friedmann, J. (2002). *The Prospect of Cities*. Minneapolis: University of Minnesota Press, P 168.

Habermas, J. (1994). *Citizenship and National Identity: some Reflections on the Future of Europe*, In B.S Turner and P. Hamilton and *Citizenship Critical Concept*, London: Routledge.

Hajzadeh, M. & Mansoori A. (2013). "Measuring the general awareness of citizenship rights in North Khorasan province", *Journal of Sociological Studies of Youth*, Vol, 4., No. 12. Winter, P. 57-76. (Persian).

Hesam, F. (2002). "Citizenship Identity", *Thought and Research*, Vol. 5, No. 51. (Persian).

Hezarjaribi, J. & Amanian, A. (2011). "Women's awareness of citizenship rights and the factors affecting it", *Journal of Studies and Research Urban and Regional*. Vol. 3, No. 9, P. 1-8. (Persian).

Janoski, T. (1998). *Citizenship and Civil Society*, Cambridge: Cambridge University Press.

Kaldi, A. & Pourdehnad, N. (2012). "A Survey of the Students' knowledge and attitude towards citizenship rights in Tehran", *Quarterly journal of urban studies*, Vol. 2, No. 4, P. 29-58. (Persian).

Katzian, P. (2009). *Norms of Citizenship (their patterns Determinants and effects in a Cross-national perspective)*. University of Darmstadt, Institute of Political Science.

Mahini, F., Saberi Motlagh, E., & Darireh, E. (2015). *Relationship of Citizenship Citizenship Rights Knowledge with Civil Behavior of Students (Case study: Secondary school of Deshestan)*. Second National Conference on Psychology and Education. <http://www.civilica.com>. (Persian).

Oliver, D., & Heater, D. (1994). *The Foundations of Citizenship*, Great Britain, Harvester Wheatsheaf.

Rabbani, R., Haghghatian, M., & Esmaeili, M. (2006). "A Survey of the Socio-cultural factors and the level of awareness of citizens about citizenship rights (Esfahan city in 2005)", *Quarterly Journal of Research of Islamic Azad University, Shoushtar Branch*, Vol,1., First issue, Fall.,Pp: 85-106. (Persian).

Rosheh, G. (1997). *Sociology of Talcot Parsons*, Translation by Abdolhossein Nik Gohar, Tehran: Tabyan Publishing. (Persian).

Sajjadi, Z. H., Vahedi Yeganeh, F. (2017). "Assessment and assessment of citizens' awareness of citizenship rights and urban laws with the goal of achieving a decent life (Case Study: Sanandaj City)", *Quarterly journal of geography and urban planning of the Zagros landscape*, Vol, 9.,No,34., winter,Pp: 1-22. (Persian).

Sanaei, M. (2000). *Individual freedom and government power*, Tehran: Hermes publishing (Persian).

Shahbazi, M., Ebrahimi, M. (2013). "Investigating women's awareness of citizenship rights and duties and related social factors (Case Study: Abhar Women's Teachers)", *Quarterly Journal of Zanzan Danesh Entezami*, Vol. 2, No. 6. (Persian).

Sharafi, M. R. Taherpour. M. Sh. (2008). "The role of educational institutions in the education of citizenship", *Cultural Engineering*, No. 15 & 16, P. 49-62. (Persian).

Sharepour, M., Shaabani, M. (2016). "Sociological analysis of citizenship awareness about urban affairs", *Quarterly journal of social development (formerly human development)*, Vol. 10, No. 3, Spring, P. 29-66. (Persian).

Shiani, M. (2002). "Citizenship and Social Welfare", *Social welfare quarterly*, Vol. 1. No.4. (Persian).

Shiani, M. (2005). "Citizenship and participation in the comprehensive social welfare system", *Social welfare quarterly*, Vol, 3., No. 18. (Persian).

Shoarinezhad, A. (2014). *The role of extracurricular activities in the education of adolescents*, Tehran: Publishing information, Eighth edition. (Persian).

Tavassoli, Gh., Nejati Hoseini, M. (2004). "Studying the social reality of citizenship in Iran", *The Iranian Anthropology Forum*, Vol. 5, No. 2. (Persian).

Turner, B. S. (2008). *Rights and Virtues: Political Essays on Citizenship and Social Justice*. Oxford: Bardwell Press.

UNESCO (2004). *World Charter on the Right to the City*. World Urban Forum. Available at: [www.portal.unesco.org](http://www.portal.unesco.org).

---

Vosoughi, M., & Hazrati, M. (2012). "Sociological study of the relationship between symbolic capital and attitude towards citizenship rights (Case study: of Tabriz city)", *Sociological studies*, Vol. 4, No. 14, P. 141-157. (Persian).

## A Study of the Relationship Awareness of Citizenship Rights with Social Behavior among Students of Payame Noor University of Bandar Abbas

Mansooreh Dastranj<sup>1</sup> and Mehdi Mallahi (Ph.D)<sup>2</sup>

DOI: 10.22055/QJSD.2019.14564

### Abstract:

The purpose of this research is to study of the relationship awareness of citizenship rights with social behavior among students of Payame Noor University of Bandar Abbas. The study population consists of students in the Payame Noor University of Bandar Abbas. The method of study was survey with a questionnaire technique. A sample of 350 students were selected by simple random sampling. After collecting questionnaire, the data were analyzed by SPSS software. The results of this research demonstrate that the variables including gender, parents of education have significant relationship with the awareness of citizenship rights. It was also determined that there was no significant relationship between socio-economic status and awareness of citizenship rights. Also there was a significant relationship between awareness of citizenship rights, dimensions of political, gender, cultural of citizenship rights with social behavior. In the step-wise regression analysis, after all the dimensions of citizenship rights entered in the analysis, ultimately four dimensions of gender, political, civil, cultural remained in the equation and totally explained 9/1 percent of the variance of dependent variable.

**Key Concepts:** Citizenship Rights, Awareness of Citizenship Rights, Social Behavior, Students, Payame Noor University

<sup>1</sup> Member of the faculty member of the sociology department of Payame Noor University, Tehran, Iran (Corresponding Author), m\_dastranj@pnu.ac.ir

<sup>2</sup> Assistant Professor of Political Science Department of Payame Noor University, Tehran, Iran, mallahi1404@gmail.com

